اسناد تاریخی: نامه ظل السلطان از وین به ستارخان

سهیلی خوانساری، احمد

مظفر الدین شاه در سال 1324 پس‏ از اعطای حکومت مشروطه از این جهان‏ درگذشت و محمد علیشاه جانشین وی‏ پادشاه ة و چنانکه میدانیم با مشروطه‏ طلبان و آزادیخواهان سخت دشمنی داشت‏ و مخالفت می‏کرد.

پس از اینکه نظام السلطنه رئیس الوزراء شد بعد از ملاقات سفیر فرانسه و اطریش‏ با محمد علیشاه و مذاکرهء تبعید جمعی از مخالفان با موافقت سفرای انگلیس و روس گروهی را از ایران تبعید کردند از آنجمله ظل السلطان بود که پس از تأمین‏ جان و مال در آغاز سال 1326 بسمت‏ وین رهسپار گشت.

ظل السلطان در وین بود که از خلع‏ محمد علیشاه و استقرار مشروطه طلبان‏ و شکست هواخواهان شاه مستبد آگاه‏ شد و آهنگ بازگشت کرد و قبل از آنکه‏ راه وطن پیش گیرد مصلحت چنان دید که‏ نامه‏ئی بستارخان بنگارد.

و نامه صفحهء قبل را

توسط اکبر میرزا صارم الدوله فرزند خویش از وین برای مرحوم ستار خان‏ که آنگاه در تهران بود فرستاد اکبر- میرزا نامه و پیغام پدر را بسردار ملی داد و او پاسخ آنرا بدین مضموم بوی نوشت:

ظل السلطان چون ستار خان را با بازگشت خود مخالف ندید کار را اتمام شده انگاشت. و پنداشت برای استفاده از موقعیت بدون موافقت روس و انگلیس میتواند بایران آید.

عازم بازگشت شد اما پس از ورود ببندر انزلی او را بازداشته و محبوس ساختند و سپس‏ محکوم بپرداخت مبلغی معادل سیصد هزار تومان ساختند و او چون چاره‏ئی نداشت یکصد هزار تومان داد و پرداخت دویست هزار تومان دیگر را چهار ماهه متعهد گشت آنگاه معقهور و مأیوس بسمت پاریس روانه شد.

آنچه استنباط میشود تنها نامهء ستار خان ظل السلطان را مستظهر و مصمم ببازگشت‏ بایران ساخته وگرنه وی چنین تصمیمی نداشته است.

ظل السلطان مهین فرزند ناصر الدین شاه در ایام حیات همواره آرزوی سلطنت داشت‏ و بر این خیال هرگز پرده نمیپوشید و چون پیوسته از کمک و یاری انگلستان برخوردار میگشت‏ همیشه منتظر فرصت و حصول مقصود بود.